



در دورهٔ راهنمایی، دانش‌تکن اینک اسم کوچک معلم‌انمان چیست یک آرزو بود؛ یا اگر آن‌ها را در خیابان با همسر و فرزندان می‌دیدیم نقل محفل زنگ تفریح‌هایمان تا یک هفته می‌شد! در دبیرستان فاصله کمتری با معلم‌انمان احساس می‌کردیم و در این میان معمولاً محبوب‌ترین معلمین ما آن‌هایی بودند که با ایجاد فضایی دوستانه در کلاس و بیرون کلاس، با ما در اردو و زنگ تفریح و ورزش همراه می‌شدند و بیش از حرف، با رفتارشان بر ما تأثیر می‌گذاشتند. البته همچنان ادب و احترام معلم - شاگردی پابرجا بود و ما به خودمان اجازه شکستن دیوار فرضی و ارتباط دوستانه خارج از محیط مدرسه را نمی‌دادیم. این روزها اما از همان جلسهٔ اولی که سر کلاس می‌روم بچه‌ها به دنبال شماره تلفن من هستند تا بتوانند مرا به گروه تلگرامی‌شان اضافه کنند و با هم ارتباط داشته باشیم! در فاصله بین کلاس و اتاق دبیران هم چندتایی از دانش‌آموزان با صدایی آرام و لبخندی بر لب نشانی صفحهٔ شخصی اینستاگرام را می‌پرسند. البته که در نهایت هر دو گروه بچه‌ها با مقاومت من روبه‌رو می‌شوند؛ چون من ارتباط شخصی تلفنی و مجازی را به بعد از فارغ‌التحصیلی‌شان موکول می‌کنم. البته همه همکارانم به سخت‌گیری من نیستند و بعضاً در همان جلسه شماره یا نشانی شبکه اجتماعی‌شان را روی تخته می‌نویسند و به تعداد «دنبال‌کنندگان» یا همان فالوئرهایشان اضافه می‌کنند. اگرچه من با آن‌ها موافق نیستم اما همه در یک نکته مشترکیم: بچه‌ها پیدایمان می‌کنند! یعنی بالاخره تا آخر سال چند نفرشان به هر شیوه ممکن مرا در شبکه‌های اجتماعی پیدا می‌کنند و هفته به هفته احوال من و نمره‌ها و تکالیفشان را می‌پرسند!

بدیهی است که می‌توان از ظرفیت کم‌نظیر شبکه‌های اجتماعی در امر آموزش استفاده‌های فراوانی کرد. آنچه در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته ملاحظاتی است در مورد نحوه حضور شخصی معلمان در شبکه‌های اجتماعی.

**شبکه‌های اجتماعی: مدرسه پنهان مجازی**  
فضای مجازی، برخلاف اسم فریبده‌اش، کاملاً حقیقی و در امتداد واقعیت‌های روزمره زندگی ماست. این فضا به هر کاربری اجازه می‌دهد که با استفاده از تلفن همراه و اینترنت،

بدون «حاضر» شدن در زمان و مکان مشترک، «ناظر» رویدادهایی باشد که ما در شبکه‌های اجتماعی مجازی به اشتراک می‌گذاریم. دانش‌آموزان ما هم می‌توانند بیرون از کلاس ما را «دنبال» کنند و این کار را تا محل کارمان، اتاق شخصی، قرار خانوادگی و یا هر جای دیگری که ما به اشتراک می‌گذاریم ادامه دهند.

در این شرایط فرایند اثرگذاری معلم محدود به فضای کلاس و زمان حضورش در مدرسه نیست بلکه در «مدرسه پنهان» و غیررسمی ایجاد شده در فضای مجازی ارتباط دانش‌آموز و معلم کماکان دارد. حتی اگر یک طرف این ارتباط - یعنی معلم - متوجه تعامل و اثرگذاری نباشد و آن را جدی نگیرد باز هم فرایند الگوبندی و تربیت تداوم دارد و چه‌بسا به شکلی گسترده‌تر رخ می‌دهد. برخلاف فضای محدود و رسمی کلاس، صفحات شخصی مجازی بازتابی از علایق، سبک زندگی، روابط اجتماعی و نظرات مختلف سیاسی و فرهنگی معلم است که در محیط رسمی مدرسه کمتر امکان بروز و ظهور دارد. کنجکاو دانش‌آموزان برای ورود به فضای غیررسمی معلمان و ارتباط مجازی با آن‌ها هم مزید بر علت می‌شود تا با «معلم‌های شیشه‌ای» روبه‌رو باشیم که هویتشان در بستر اینترنت هویدا می‌شود و چیز زیادی برای مخفی کردن ندارند!

اگر ما معلمی را چیزی بیشتر از «تدریس» می‌دانیم و در فضای واقعی تلاش می‌کنیم ظاهر و رفتارمان هم برای دانش‌آموزان «درس» آموز باشد؛ لازم است برای پدیدهٔ معلم شیشه‌ای در شبکه‌های اجتماعی هم چاره‌ای بیندیشیم. در غیر این صورت بچه‌ها خیلی زود تناقض بین ظاهر ما در مدرسه و بازنمایی زندگی‌مان که در فضای مجازی منتشر می‌شود را متوجه می‌شوند و در برابر آن موضع می‌گیرند. نکات زیر پیشنهادهایی جهت مدیریت هوشمندانه رفتار

مجازی ماست. معلمان عزیز با دقت و ظرافت خود می‌توانند این نکات را غنی‌سازی و اصلاح نمایند:

۱. اگر نمی‌خواهیم دانش‌آموزانمان دربارهٔ عکس سفرهٔ شام دیشب و یا شیرین‌کاری جدید فرزندانمان که روی اینستاگرام گذاشته بودیم سر کلاس صحبت کنند لازم است تکلیفمان را با محتوای خصوصی و شخصی‌مان مشخص کنیم. قفل کردن صفحه و خصوصی‌سازی آن در برخی شبکه‌های اجتماعی امکان‌پذیر است و اجازه می‌دهد بازدیدکنندگان را مدیریت کنیم. داشتن دو پروفایل (یکی شخصی و یکی عمومی) هم راه‌حلی دیگر است.
۲. علی‌رغم قفل کردن و خصوصی‌سازی صفحه، باز هم بسیاری از رفتارهای مجازی ما مثل عکس پروفایل، لایک‌ها و نظرات و ... قابل مشاهده و یا ردیابی خواهد بود. به خاطر داشته باشید که زمان حضور شما در شبکه‌های اجتماعی نیز اهمیت دارد و برای دیگران نیز قابل مشاهده است. پست گذاشتن در نیمهٔ شب، سر کلاس یا وسط جلسهٔ مراقبت امتحان ممکن است منجر به تخطئهٔ مدیر مدرسه یا میج‌گیری توسط دانش‌آموزان شود!
۳. ما کنترلی بر روی محتوای صفحات شخصی دانش‌آموزانمان نداریم و اگر آن‌ها محتوای نامناسبی منتشر کنند، نمی‌توانیم خود را به ندیدن بزنیم و ممکن است مجبور به واکنش حقیقی یا مجازی شویم که تبعات دیگری دارد. پس بهتر است دانش‌آموزانمان را «دنبال» نکنیم! در صورت درخواست و اصرار آن‌ها برای دوستی در شبکه‌های اجتماعی نیز قانون مشخصی وضع و به آن‌ها اعلام کنیم. برای مثال ارتباط مجازی را به بعد از فارغ‌التحصیلی موکول کنیم.
۴. اگر می‌خواهیم از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی استفاده

کنیم و با ایجاد یک «پاتوق سایبری» مباحث درسی و کارهای جانبی کلاس را در فضای مجازی دنبال کنیم؛ لازم است به نحوی این فضا را ایجاد کنیم که مدیریت صفحه با خودمان باشد تا در صورت ایجاد مشکل محتوایی یا فنی بتوانیم آن را حل کنیم. همچنین باید قوانین مشخصی برای نحوهٔ حضور دانش‌آموزان در پاتوق سایبری تدوین و آن‌ها را به‌طور صریح و مشخص در فضای حقیقی کلاس اعلام نماییم.

۵. در برخی مدارس آیین‌نامه‌ها و مصوبات خاصی دربارهٔ محدودیت‌های استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی وجود دارد. برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی در فرایند تدریس، لازم است ملاحظات و قوانین مدرسه را دربارهٔ شبکه‌های اجتماعی در نظر بگیریم.
۶. قبل از اینکه در صفحهٔ شخصی خود از مدرسه و همکاران خود انتقاد کنیم به عواقب آن توجه کنیم. به خاطر داشته باشیم که ممکن است دانش‌آموزان، اولیا و یا همکارانمان هم صفحهٔ مجازی ما را دنبال کنند. نگارنده قبلاً به دلیل عدم توجه به همین نکته دچار مشکلاتی شده است!
۷. دربارهٔ به اشتراک‌گذاری عکس دانش‌آموزان نیز احتیاط کافی به خرج دهیم. معمولاً اولیای بچه‌ها - خصوصاً دختران - نظرات متفاوتی درباره انتشار عکس‌های فرزندانشان در فضای مجازی دارند. حتی اگر صفحهٔ ما خصوصی باشد و عکس‌ها را هم برای مدت محدودی منتشر کنیم باز هم امکان نسخه‌برداری<sup>۲</sup> از آن‌ها و بازنشر توسط دیگران وجود دارد.

\* پی‌نوشت‌ها  
۱. آقای حسین غفاری به‌طور مفصل در این‌باره در مقاله‌ای با عنوان «پاتوق مجازی» بحث کرده‌اند که در شماره اردیبهشت ۹۴ رشد معلم منتشر شده است.  
۲. به شیوه اسکرین شات (Screen Shot)